

تدریس درس سیزدهم جامعه‌شناسی پایه یازدهم

زهرا نجاتی دبیر علوم اجتماعی استان لرستان شهرستان دلفان

## عنوان درس: سر آغاز بیداری اسلامی

بچه‌های عزیزم؛

یادتان هست که در کتاب جامعه‌شناسی دهم خواندیم که جهان‌های اجتماعی مختلف با هم ارتباط متقابل دارند و می‌توانند از همدیگر تأثیر بپذیرد، اما در این ارتباط اگر یک جهان اجتماعی فرهنگ تأثیرگذاری داشته باشد می‌تواند در فرهنگ‌های دیگر سلطه پیدا کند و معلوم است که چه بر سر جهان‌های اجتماعی زیر سلطه می‌آورد.

این جهان‌های اجتماعی و خود باخته می‌شوند یا دچار از خودبیگانگی فرهنگی می‌شوند.

در سال گذشته یاد گرفتیم که جهان اسلام و مسلمانها هم به دلایل مختلف تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفتند و غرب زده شدند.

اما بچه‌ها این را باید بدانید که کشورهای مسلمان بیشتر تحت تأثیر ظاهر مدرن غربی‌ها قرار گرفتند.

اقتصاد پیشرفته، تسلیحات نظامی، تکنولوژی و رفاه جهان غرب که جز لایه‌های سطحی فرهنگ غرب بود برای خیلی از حاکمان کشورهای مسلمان و مردمشان جذاب بود و آنها را به تقلید از غرب می‌کشاند،

ولی مسلمان‌ها با لایه‌های عمیق به فرهنگ غرب آشنایی کمی داشتند این را هم بدانید که مردم، متفکرین و حاکمان کشورهای مسلمان واکنش‌های مختلفی نسبت به غرب زدگی جوامع از خود نشان دادند. که بعضی فرهنگ و زندگی غربی را برای ایشان خیلی جذاب بود و از غربی‌ها تقلید می‌کردند، برخی‌ها هم مخالفت فرهنگ غرب بودند و با آنها مبارزه می‌کردند.

در این درس می‌خواهیم ببینیم چه جریان‌های اجتماعی در این رابطه شکل گرفتند و چه برخوردی با فرهنگ غرب داشتند.

## **وضعیت جوامع اسلامی در هنگام مواجهه با جهان غرب:**

نخستین رویارویی غرب متجدد با جهان اسلام هنگامی رخ داد که قدرت‌های سیاسی جهان اسلام، علیرغم رعایت ظواهر اسلامی استعداد های قومی و قبیله‌ای بودند.

فقاہت و عدالت دو عنصر برتر فرهنگ اسلامی، اغلب در حاشیه مناسبات قدرت های قومی، باقی مانده بودند.

دولت‌های کشورهای مسلمان نیز به میزان دوری از سنن دینی و اسلامی، آسیب پذیری بیشتری در برابر کشورهای غربی پیدا می کردند.

عالمان دینی، اغلب بر اساس، حفظ امنیت با حاکمان کشورهای خود تعامل می کردند.

## **تأثیرات جهان غرب بر دولتمردان:**

قدرت نظامی سیاسی و اقتصادی و جاذبه های دنیوی کشورهای غربی دولتمردان جوامع اسلامی را مرعوب و شیفته فرهنگ غرب می ساخت.

عزت و استقلال کشورهای اسلامی را تضعیف می کرد.

## **نخستین بیدارگران اسلامی**

نخستین بیدارگران کسانی بودند که به خطر جوامع غربی و خطر شیوه‌ای که دولت‌های اسلامی در برابر غرب داشتند، توجه کردند و حرکت‌ها و جنبش‌هایی را در مقابله با غرب وجود آوردند.

## مهم ترین ویژگی های آنها:

نخستین بیدارگران به خطر کشورهای غربی برای جوامع اسلامی توجه داشتند و خواستار استقلال اقتصادی و سیاسی جوامع مسلمان بودند.

اصلاح رفتار دولتها اسلامی را دنبال می کردند.

بیداری را بازگشت و بستان و عمل به قانون می دانستند.

بسیاری از آنها اسلامی و جهان اسلام را دنبال می کردند و قومیت های مختلف را در درون امت واحد اسلامی به رسمیت می شناختند.

## نقاط ضعف بیدارگران اسلامی

بیدارگران نخستین به رغم رویکرد اعتراض آمیز به غرب از فرهنگ غرب شناخت عمیقی نداشتند.

آنها خطر قلب را بیشتر در سلطه گری و قدرت سیاسی و اقتصادی آن می دیدند.

برخی از آنان، دوری مسلمانان از عمل به اسلام را عامل ضعف جوامع اسلامی می دانستند.

بیدارگران نخستین، گمان می کردند که قدرت جوامع غربی به این دلیل است که عملکرد آنها اغلب همان است که مورد توجه اسلام می باشد. به عنوان مثال محمد عبود و شاگرد سید جمال الدین در مصر می گوید در شرق مسلمانان را دیدم و اسلام را ندیدم و در غرب، اسلام را دیدم و مسلمانان را ندیدم.

نمونه هایی از جنبش ها در ایران: حضور فعال مالدینی در مقابله با دولت تزاری روسیه.

تدوین رساله های جهادی علمای اسلام.

اصلاحات امیرکبیر.

حکم میرزای شیرازی در جنبش تنباکو.

اقدامات سید جمال الدین اسدآبادی و شاگردان او در کشورهای اسلامی نمونه‌هایی از حرکت‌های و جنبش‌های جهان اسلام هستند.

## منورالفکران و روشنفکران غربزده

با شکل‌گیری استعمار و نفوذ دولت‌های غربی در کشورهای اسلامی دو جریان شکل گرفت:

۱- بیدارگران نخستین ۲- منورالفکران در نسل اول و روشنفکران در نسل دوم.

منورالفکران غربزده با نفوذ دولت‌های غربی در کشورهای اسلامی و به موازات نخستین بیدارگران اسلامی پیدا شدند.

منورالفکران غربزده شیفته جوامع غربی بودند.

منورالفکران غربزده خود را بیدارگر می‌دانستند و بیداری را عبور از فرهنگ اسلامی و پیوستن به فرهنگ غرب معنا می‌کردند.

منورالفکران غرب زده بیشتر در لژهای فراماسونری سازمان می‌یافتند.

از نخستین لژهای فراماسونری که منورالفکران غربزده در ایران تأسیس کردند عبارت بودند از: لژ آدمیت و لژ بیداری ایرانیان.

## منورالفکران غربزده در ایران:

اومانیسیم را به آدمیت ترجمه می‌کردند.

روشنگری مدرن را به منورالفکران ترجمه می‌کردند، به همین دلیل خود را منورالفکر می‌خواندند.

## **ویژگی‌های منورالفکران غربزده:**

نسبت به کشورهای زمره احساس خطر نمی‌کردند، بلکه حضور سیاسی و اقتصادی آن را یک فرصت می‌دانستند. (برخلاف نخستین بیدارگران اسلامی)

خواستار اصلاح رفتار دولت‌های کشورهای مسلمان بودند (مانند نخستین بیدارگران اسلامی)

اصلاح را در تقلید از رفتار فرنگیان می‌دانستند، نه در بازگشت به اسلامبرخلاف نخستین بیدارگران اسلامی)

به مفهوم ناسیونالیسم (یعنی اندیشه سیاسی قوم‌گرایانه غرب متجدد) روی می‌آوردند و مفهوم امت و ملت اسلامی برای آنها مفهومی بی‌معنا و منفور بود (برخلاف نخستین بیدارگران اسلامی)

## **تشکیل حکومت‌های سکولار توسط منورالفکران:**

منورالفکران غرب زده مورد حمایت دولت‌های استعمارگر غربی بودند.

دولت‌های استعمارگر غربی به کمک منورالفکران توانستند از موقعیت جنبش‌هایی که توسط نخستین دیدارگران اسلامی در حال شکل‌گیری بود، جلوگیری کنند.

منورالفکران غربزده در قدم‌های نخست از ضرورت اصلاحات در دولتهای کشورهای خود سخن می‌گفتند، ولی در نهایت با حمایت و دخالت کشورهای غربی توانستند در جوامع خود حکومت‌های سکولار را تشکیل دهند.

## حکومت های سکولار در کشورهای مسلمان :

قدرت حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان به قدرت جهانی استعمار وابسته بود و در باورها و اعتقادات و پیشینه تاریخی کشورهای مسلمان ریشه نداشت.

اقدامات حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان با اتکا به قدرت استعماری عبارتند از: از بین بردن مظاهر دینی ، حذف ساختارهای اجتماعی پیشین، ایجاد ساختارهای اجتماعی جدید.

سه نمونه از قدرت های سکولاری که آرمان های منورالفکران غرب زده را با حمایت قدرت دولت های غربی دنبال می کردند: عبارتند از رضاخان در ایران، آتاتورک در ترکیه، امان الله خان در افغانستان.

منورالفکرهایی که در کابینه رضاخان حضور داشتند : محمدعلی فروغی، علی منصور، مصطفی قلی بیات، علی اکبر داور، محمود جم، تیمورتاش و سردار اسعد بختیاری.

## ره آورد حکومت منورالفکران غرب زده در کشورهای اسلامی:

رهاورد حکومت منورالفکران غرب زده نسل اول غرب زدگان در کشورهای اسلامی استبداد استعماری بود.

استبداد استعماری، به دلیل وابستگی به کشورهای استعمارگر ، استقلال سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی را مخدوش ساختند و مقاومت های مردمی برای حفظ هویت اسلامی خود را نیز سرکوب کردند.

در به در هم ریختن نظم پیشین توسط حکومت های منورالفکر غرب زده ، به بهانه رسیدن به جایگاه کشورهای غربی صورت گرفت، اما در عمل به جایی رسیدند و نزدیک شدن به کشورهای غربی خصوصیات کشورهای پیرامون و استعمار زده را پیدا کردند.

## چگونگی شکل‌گیری حرکت‌های روشنفکری چند در کشورهای اسلامی :

از یک طرف تبدیل کشورهای اسلامی به کشورهای پیرامونی و استعمار زده، اعتراض برخی نخبگان این کشورها را که به غرب چشم دوخته بودند، برانگیخت و از طرف دیگر شکل‌گیری جریان‌های چپ در کشورهای اروپایی بازناب‌های را در ذهن غرب زدگان کشورهای اسلامی پدید آورد و بدین ترتیب نسل دومی از غرب‌زدگان یعنی روشنفکران چپ در کشورهای اسلامی پدید آمد.

## دیدگاه‌های روشنفکران چپ در کشورهای اسلامی و شکل‌گیری روشنفکران التقاطی چپ:

روشنفکران چپ نسبت به حرکت‌های سیاسی نسل اول معترض بودند.

اعتراض روشنفکران چپ به نسل اول، از جهت گریز منورالفکران غرب‌زده از بنیان‌های فکری اسلامی یا اسلام‌ستیزی آنان نبود،

بلکه به دلیل از نوع اعتراض روشنفکران چپ به نسل اول از نوعی اعتراضاتی بود که طی قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری شکل گرفت.

روشنفکران چپ حرفه‌ای خود را در چارچوب اندیشه‌های ناسیونالیستی سوسیالیستی و مارکسیستی سازمان می‌دهند.

برخی از روشنفکران چپ حرکت‌های اجتماعی خود را آشکارا به صورت مکاتب غیرتوحیدی مطرح می‌کردند.

برخی دیگر از روشنفکران چپ از رویارویی مستقیم با اندیشه و باور دینی مردم خودداری می‌کردند و گاه اندیشه‌های خود را در پوشش‌های دینی بیان می‌کردند، به این ترتیب روشنگری انتخاباتی چپ در کشورهای اسلامی پدید آمد.

## اندیشه التقاطی:

از ویژگی‌های اساسی اندیشه صحیح آن است که اجزای آن دارای انسجام اند. از این رو به دیدگاهی که در آن تضاد و تناقض وجود دارد به دیده شک و تردید نگریسته می‌شود.

اندیشه التقاطی در همین ویژگی دچار نقص است. چرا که معمولاً آمیزه‌ای از باورها و ارزش‌هایی است که از مکاتب و جهان بینی‌های مختلف گرد آوری می‌شوند و به صورتی ناسازگار در کنار هم چیده می‌شوند.

برخی جریان‌ها، اسلامی را با سوسیالیسم، مارکسیسم، ایدئالیسم، لیبرالیسم و... بدون توجه به مبانی آنها و به صورت ناسازگار در هم ادغام می‌کنند.

معمولاً افراد و جریانهای اجتماعی که به اعماق یک مکتب و فرهنگ اصیل دسترسی ندارند، در دگرگونی‌ها و تحولات فرهنگی و اجتماعی به تفکر التقاطی پناه می‌برند.

## حرکت‌های اعتراض آمیز روشنفکران چپ در کشورهای اسلامی:

در دنیای دوقطبی قرن بیستم اغلب در سایه حمایت‌های بلوک شرق و قرار می‌گرفت.

تا هنگام فروپاشی بلوک شرق روشنفکران چپ در کشورهای اسلامی جذب شده بودند.

تا قبل از فروپاشی بلوک شرق جریان‌های چپ در کشورهایی که زیر نفوذ غرب سرمایه‌داری قرار داشتند به عنوان یک جریان اجتماعی تأثیرگذار همچنان حضور داشت.



با فروپاشی بلوک شرق و از بین رفتن جاذبه های روشنگری در سطح جهان از اواخر قرن بیستم جریان چپ در کشورهای اسلامی جاذبه خود را از دست داد و غرب زدگان این جوامع، بار دیگر در اندیشه های لیبرالیستی غربی روی آوردند.

زهرا نجاتی دبیر علوم اجتماعی استان لرستان شهرستان دلفان